



"بررسی ایرادات بودجه آموزش و پرورش در لایحه ۱۴۰۰ به همراه ارائه پیشنهادات"

مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان
معاونت گفتمان سازی و مطالبه گری
آذرماه ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

تحلیل لایحه بودجه ۱۴۰۰ - بخش آموزش و پرورش

تهیه و تنظیم:

شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

آذرماه ۱۳۹۹

فهرست

۴.....	مقدمه
۴.....	بررسی محور های اساسی ساختار بودجه آموزش و پرورش
۴.....	مغایرت با اسناد بالادستی و تعارض بودجه با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۷.....	عدم توجه به تامین ، تربیت و ارتقای نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش
۹.....	حاکم بودن تفکر لیبرالیستی در بودجه آموزش و پرورش با جاری شدن رویکرد خصوصی سازی
۱۰.....	عدم توجه به آموزش و پرورش ابتدایی
۱۱.....	عدم توجه به کنترل مبادی بی سوادی
۱۳.....	بررسی کلیات بودجه آموزش و پرورش
۱۴.....	بررسی جزئیات بودجه آموزش و پرورش در لایحه ۱۴۰۰
۱۶.....	پیشنهادات
۱۹.....	منابع

مقدمه

نظر به اهمیت نظام تعلیم و تربیت و نقش آن در توسعه و حرکت جامعه به سمت پیشرفت، سرمایه گذاری در این حوزه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به همین سبب بسیاری از کشور های جهان یکی از راهبرد های اساسی خود را در برنامه های بلند مدت و کوتاه مدت، ناظر بر این نظام و اعتبارات مربوطه در نظر می گیرند. این مهم در کشور ما نیز حاکم بوده، به نحوی که در راهبرد ها و محور های اساسی نقشه راه انقلاب اسلامی نیز آموزش و پرورش از اهمیت بالایی برخوردار است. رهبر انقلاب در بیانات مکرر شان، بر لزوم اهمیت و سرمایه گذاری در این حوزه و ضرورت تحول بنیادین در این بخش تاکید دارند، اما متأسفانه با این وجود دولت مردان و بسیاری از نمایندگان محترم مجلس در ادوار گوناگون، به علت چالش های متعدد در کشور از این مهم غفلت کرده و همین امر منجر به آسیب های فراوان در طول سالیان اخیر شده است، که گاه تذرک شخص اول نظام را نیز در پی داشته. لذا با توجه به رویکرد های مثبت مجلس و نمایندگان این دوره، به نظر می رسد ضرورت دارد بررسی کارشناسی در این حوزه صورت پذیرد تا بتواند قدری عملکرد و برنامه دولت در این حوزه را نمایان سازد. با بررسی اجمالی کلیات و مبانی بودجه آموزش و پرورش عمومی ۱۴۰۰ و مقایسه آن با بودجه های ۴ سال اخیر، ساختار قدیمی، تکراری و غیرشفاف آن به خوبی مشهود است و همچنان ساختار بودجه آموزش و پرورش بر همان پاشنه سنتی خود می چرخد که نشانگر نگاه دست چندی و عدم اهتمام و اعتقاد دولت به مسئله حیاتی آموزش و پرورش می باشد.

به همین سبب در این نوشتار ضمن بررسی دقیق تر مبانی، کلیات و جزئیات لایحه برنامه بودجه سال ۱۴۰۰ تلاش می شود محور هایی جهت اصلاح و حرکت به سمت تحول بنیادین آموزش و پرورش پیشنهاد گردد.

بررسی محور های اساسی ساختار بودجه آموزش و پرورش

مغایرت با اسناد بالادستی و تعارض بودجه با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

اساساً مبانی و رویکردهای کلان یک برنامه، جهت گیری حرکتی دستگاه و هزینه کرد منابع را مشخص می کند. متأسفانه علی رغم تاکیدات مقام معظم رهبری و صراحت اسناد بالادستی پیرامون اهمیت و ضرورت اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شواهد موجود در مبانی لایحه بودجه ۱۴۰۰ بخش آموزش و پرورش عمومی نشان می دهد که نه تنها در بودجه سال آینده بویی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مشام نمی رسد بلکه استنادات صریح و بی شرمانه در مبانی بودجه مبنی بر اجرای سند آموزش ۲۰۳۰ و برخی از طرح های محوری این لایحه که در میان راهبردهای اجرایی در سند ملی آموزش ۲۰۳۰ بدان تاکید شده، نشانگر مخاطرات جدی برای آینده نظام تعلیم و تربیت کشور است.

اگرچه در این لایحه در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اقداماتی ذکر شده است، اما غالباً آن‌ها در تضاد و مغایر با اهداف و راهکارهای این سند بوده و به نظر می‌رسد جریان تحریف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با شدت، مسیر خود را دنبال می‌کند. در این میان متأسفانه شواهد نشان می‌دهد هنوز فهم و شناخت دقیقی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای مسئولین مربوطه شکل نگرفته است. لذا ضرورت دارد مجلس شورای اسلامی در روند بررسی لایحه، ضمن توجه به نکاتی که در ادامه بدان پرداخته می‌شود بر اجرای سند تحول بنیادین تأکید نماید.

با بررسی‌های صورت گرفته، اساساً محورهای زیر در تضاد آشکار با سند تحول بنیادین و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌باشد:

۱) در بخش اهداف و سیاست‌های برنامه دولت دوازدهم در مبنای بودجه ۱۴۰۰ برای بخش آموزش و پرورش عمومی، منطبق بر اهداف و سیاست‌های مرتبط با اهداف کلان و راهبردهای پیش‌بینی شده در سند تفصیلی قانون برنامه ششم توسعه، به طراحی نظام جامع تربیت معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان با تمرکز بر تربیت آموزگار دوره ابتدایی و متوسطه اول و تربیت دبیر سایر مقاطع آموزشی با همکاری سایر دانشگاه‌های کشور از بین فارغ‌التحصیلان آنان اشاره شده است به نحوی که این هدف با راهکار «۲-۱۱» سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و بند «ب» ماده ۶۳ برنامه ششم توسعه مغایرت داشته و با عنایت به یکپارچه بودن روند تربیت معلم و هویت معلمی، این هدف به لحاظ علمی نیز محل اشکال است.

۲) در مبنای لایحه بودجه با تعبیرهای غلط از بند «ت» ماده ۲ قانون برنامه ششم توسعه، در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به اقداماتی اشاره می‌شود که اساساً با روح حاکم و متن صریح اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان این حوزه در تضاد است. به طور مثال در یکی از موضوعات به بحث زمینه‌سازی برای اجرای ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان با پذیرش دانشجویان از میان فارغ‌التحصیلان دیگر دانشگاه‌های کشور و گذراندن دوره یک‌ساله جهت تأمین نیاز نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش اشاره شده است. در صورتی که بر اساس ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان: «تأمین بخشی از نیازهای خاص آموزش و پرورش در رشته‌هایی که امکان توسعه آن از طریق «دانشگاه» وجود ندارد، مطابق ضوابط و مقررات وزارت آموزش و پرورش از میان دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور و حوزه‌های علمیه، مشروط به گذراندن دوره یک‌ساله مهارت‌آموزی در «دانشگاه» بلامانع می‌باشد». پس چنین هدفی با اسناد بالادستی نیز مغایر است.

۳) از دیگر اقدامات مطرح در راستای اجرای سند تحول بنیادین (موضوع ماده ۲ برنامه ششم توسعه) تداوم اجرای طرح‌های برون‌سپاری و خرید خدمات آموزشی است. با توجه به آن که در سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش و مبانی آن، مشارکت اولیاء در تربیت فرزندانشان، هم تکلیف و هم حق آنهاست، بنابراین معنا کردن مشارکت در طرح خرید خدمات آموزشی و واگذاری تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به بخش خصوصی که هدف آن بازدهی اقتصادی است، تحریف و تحدید اصل مشارکت در تعلیم و تربیت است. تجربه چند ده ساله آموزش و پرورش در توسعه مدارس غیردولتی نشان گر آن است که غالب این مدرسه‌ها از نظر فضا، امکانات آموزشی و نیروی انسانی شایسته و توانمند، در سطح پایین‌تری از مدارس دولتی قرار دارند و دلیل عمده توسعه و رشد این مدارس، نظارت ضعیف آموزش و پرورش بر آن‌ها و تخطی شان از قوانین و مقررات در زمینه‌های مختلف و از جمله دریافت شهریه است. همچنین گسترش طرح خرید خدمات آموزشی صراحتاً با مواد ۲۵ و ۲۸ برنامه ششم توسعه مغایرت دارد.

(۴) یکی از چالش برانگیزترین بخش‌های مبانی لایحه بودجه ۱۴۰۰، که در بخش اقدامات اجرایی جدول اهداف کلی به آن پرداخته شده است، مشارکت فعال در اجرای برنامه‌ها و تعهدات جهانی به ویژه اهداف توسعه پایدار و آموزش ۲۰۳۰ می باشد. جالب است بعد از گذشت قریب به ۹ سال از تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تاکنون هیچ اقدام جدی در راستای اجرای این سند از سوی مسئولین صورت نگرفته و آن چه که از اجرای سند تحول گزارش داده می شود، غالباً با تحریف و تضعیف سند همراه بوده و علی‌رغم اظهارات مسئولین نسبت به عدم اجرای سند آموزش ۲۰۳۰ در کشور، اما در مبانی بودجه آموزش و پرورش عمومی، مشارکت فعال در اجرای برنامه‌ها و تعهدات جهانی به ویژه اهداف توسعه پایدار و آموزش ۲۰۳۰ در هدف کلی ارتقا تعلیم و تربیت مورد تاکید واقع شده است.

(۵) از دیگر اقدامات برای راهبرد و هدف کلی ذکر شده، مشارکت فعال با سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای می باشد که به نظر می رسد همان پروژه جهانی سازی و جهانی شدن آموزش و پرورش مدنظر است که در این صورت در تضاد با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد.

حال بر این اساس در این حوزه پیشنهاد می گردد اساساً کلیات بودجه آموزش و پرورش که بر این محور بنا شده است رد شده و نکات زیر در بازنگری مدنظر قرار گیرد:

(۱) در راستای اجرای سند تحول بنیادین به نظر می رسد لایحه بودجه آموزش و پرورش عمومی باید با رویکرد تحولی و مبتنی بر اقدامات اجرایی تصریح شده در این سند تدوین شود، به نحوی که چرخش‌ها و رویکردهای تحولی بدین صورت اجرا گردد.

(۲) با توجه به خطر زیان بار طرح خرید خدمات آموزشی برای کشور و ضرورت تامین نیروی انسانی با کیفیت پیشنهاد می گردد ضمن حذف این طرح اعتبار در نظر گرفته برای این طرح به اعتبارات عمومی دانشگاه فرهنگیان افزوده شود.

۳) به نظر می‌رسد رویکردهای خصوصی سازی، جهانی سازی و مجازی سازی آموزش و پرورش در بودجه سال آینده اساساً با هدف مخرب تضعیف جایگاه حاکمیتی تعلیم و تربیت در کشور تدوین شده و آینده انقلاب اسلامی را به خطر خواهد انداخت، لذا انتظار می‌رود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با چنین رویکردهای آسیب‌زایی مقابله کنند.

عدم توجه به تامین، تربیت و ارتقای نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش

سند تحول بنیادین، سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری پیرامون ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، برنامه ششم توسعه و دیگر قوانین و اسناد بالادستی، اجرای تحول بنیادین را در گرو توجه شایسته به امر تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان، به عنوان اصلی‌ترین و تنها مرجع این فرآیند می‌داند.

یکی از اساسی‌ترین چالش‌های چند سال گذشته نظام تعلیم و تربیت مسئله حساس تامین نیروی انسانی کارآمد برای این نظام بوده است، به نحوی که بسیاری از کارشناسان تداوم حیات آموزش و پرورش را در گرو حل این چالش و تربیت معلم طراز انقلاب اسلامی می‌دانند، لذا به نظر می‌رسد وزارت آموزش و پرورش باید سالانه با برنامه ریزی مستدل و مستند این فرآیند را بهبود بخشد.

به نظر می‌رسد با توجه به اسناد بالادستی و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه تحول آموزش و پرورش این فرآیند باید از بستر دوره چهارساله دانشگاه فرهنگیان و متناسب با راهبرد توسعه کمی و کیفی این دانشگاه رقم بخورد، بدین جهت ضرورت دارد تا ضمن نگاه دقیق به وضعیت موجود و مانیتورینگ نیروی انسانی مورد نیاز، با بهره‌گیری از راهبرد‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تامین، تربیت و ارتقای معلمان را دنبال نماید، که این مهم مستلزم نگاه جدی، تحولی، افزایش ظرفیت و کیفیت افزایی در دانشگاه فرهنگیان است که اساساً به عوامل متعددی همچون اراده مسئولین، بودجه و... وابسته است.

سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران تنها زمانی می‌توانند به تحقق این مهم امیدوار باشند که ابتدا به این نهاد تاثیرگذار نگاه درستی داشته باشند و بر مبنای یک نگاه کارشناسی و برآمده از شناخت صحیح، نسبت به فضای تربیت معلم تصمیم‌گیری کنند.

دولت‌ها یکی از مهم‌ترین مراجعی هستند که در پیشبرد این اهداف نقش اساسی دارند و با اعمال سیاست‌های مختلف، و گاهی متضاد چالش‌هایی را برای نظام تربیت معلم ایجاد کرده‌اند به نحوی که این جریان در لایحه‌های بودجه پیشنهادی سال‌های مختلف مشهود است که ضرورت دارد با توجه به شأن حاکمیتی آن و تاکیدات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی در مجلس شورای اسلامی به صورت دیگری به آن توجه و شان نظارت به عملکرد قوه مجریه در این حوزه اعمال شود.

متاسفانه در لایحه بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۰ همچون سنوات گذشته توجه مناسبی به دانشگاه فرهنگیان و فرآیند تربیت معلم نشده است و لذا سعی می شود در ادامه به برخی از این سیاست های غلط پرداخته شود:

- عدم تخصیص بودجه مناسب در جهت توسعه زیر ساخت ها

متاسفانه در لایحه پیشنهادی سال پیش رو بودجه عمومی قابل توجهی برای دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته نشده و شاید صحبت از توسعه زیرساخت ها در این شرایط امر بیهوده ای باشد. این در حالی است که سال گذشته برای توسعه امکانات دانشگاه فرهنگیان مبلغ حداقلی ۵۰ میلیارد در نظر گرفته شده بود که در لایحه امسال حتی اینچنین ردیفی هم وجود ندارد.

- تکیه بیش از حد بر درآمد اختصاصی یا همان کسر از حقوق

همچون سال گذشته بخش عمده ای از بودجه مورد نظر برای دانشگاه فرهنگیان از خود دانشجو معلمان دریافت می شود و امید این بود که در لایحه امسال این مورد قدری تعدیل شود اما این انتظار هم محقق نشد. درآمد اختصاصی در لایحه بودجه سال گذشته ۴۹۰ میلیارد تومان بود که امسال به ۱۰۴۵ هزار میلیارد تومان رسیده است.

- سرانه اندک و ناچیز به ازای هر دانشجو معلم

سهم هر دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان از بودجه عمومی دولت حدود ۹ میلیون و هشتصد هزار تومان در نظر گرفته شده است که نسبت به دانشگاه های دیگر و حتی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی بسیار کمتر است. لذا پیشنهاد می گردد با توجه به ضرورت تربیت و تأمین معلم در کشور، اقدامات زیر در خصوص بودجه دانشگاه فرهنگیان صورت پذیرد :

۱) الزام قانونی به افزایش پذیرش دانشجوی ۴ ساله متناسب با نیاز کشور تا سال ۱۴۰۴ (حداقل ۵۰ هزار

نفر) و افزایش متناسب بودجه دانشگاه

۲) افزایش میزان سرانه دانشجویی در بودجه عمومی (افزایش درصد بودجه عمومی نسبت به اختصاصی)

۳) در نظر گرفتن مجدد و افزایش اعتبارات عمرانی همچون سال گذشته در بودجه سازمان نوسازی در

راستای توسعه کمی و کیفی فضای آموزشی دانشگاه متناسب با نرخ رشد جمعیت دانشجویی و سن

ابنیه

۴) در نظر گرفتن و افزایش اعتبارات آموزش های ضمن خدمت و ارتقای حرفه ای معلمان در اعتبارات

دانشگاه با توجه به ماموریت های ذکر شده در سند تحول بنیادین

۵) در نظر گرفتن اعتبارات لازم برای دوره های مهارت آموزی برگزار شده در دانشگاه

حاکم بودن تفکر لیبرالیستی در بودجه آموزش و پرورش با جاری شدن رویکرد خصوصی سازی

طبق اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. اما آن چه که در این بودجه ناظر بر اقتصاد مقاومتی ذکر شده، تفسیر غلط و نوعی استفاده ابزاری برای فعالیت اقتصادی و نگاه هزینه‌ای به این امر خطیر می باشد. به طور کلی امر تربیت ماهیتی اقتصادی ندارد که بتوان آن را ذیل اصل ۴۴ که مربوط به اقتصاد، انگیزه خلق ثروت و کسب منفعت است تعریف کرد. و همچنین نگاه هزینه ای به نهادی که پیشرفت کشور را تضمین می کند کاملا اشتباه می باشد.

در اهداف مبانی بودجه آموزش و پرورش ۱۴۰۰ از سیاست‌های کلی نظام مبتنی بر مشارکت مردمی (سیاست ۱۶ اقتصاد مقاومتی)، تفسیر غلط صورت گرفته و آن را به مثابه خصوصی‌سازی می‌پندارد. همین طرز دیدگاه سبب شده که در این بودجه رشد ۹۰۰ درصدی اعتبار صندوق حمایت از مدارس غیردولتی غیرانتفاعی رقم بخورد. قطعاً این اتفاق منجر به کاهش بهره وری و توزیع ناعادلانه عوامل آموزش در سطح کشور خواهد شد. ضمناً به نظر می رسد تقسیم آموزش به دو بخش خصوصی و دولتی، موجب دامن زدن به شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی می گردد.

خرید خدمات آموزشی که خود مصداق کامل بی‌عدالتی است و در آن، هم معلم به اسارت گرفته می شود و هم دانش آموز از آموزش با کیفیت محروم می شود در مبانی بودجه ۱۴۰۰ از پروژه های اصلی دولت تعریف شده است. حتی پروژه برون سپاری و توسعه مشارکت در آموزش های کار و دانش ایرادات اساسی داشته که در نهایت منجر به کاهش بهره‌وری (بر خلاف اظهارات در مبانی بودجه ۱۴۰۰) خواهد شد.

جالب‌تر آن که علیرغم اشاره چندین باره به اهمیت توسعه آموزش پیش از دبستان و همچنین تقویت اعتبارات آموزش ابتدایی در حاشیه شهرها و سکونت‌گاه های غیر رسمی، در بخش اهداف و سیاست ها، ردیف بودجه ای اندکی برای این بخش در نظر گرفته شده است که لازم است با توجه به مشکلات موجود ردیف اعتباری این بخش افزایش یابد.

لذا پیشنهاد می گردد:

۱) اعتبارات مربوط به طرح خرید خدمات آموزشی و برون سپاری از لایحه بودجه حذف و در راستای عدالت آموزشی و تامین معلم با کیفیت برای مناطق محروم هزینه گردد و یا با توجه به ضرورت های موقت تامین معلم پیشنهاد می گردد این اعتبار در راستای تأمین هزینه های راهبرد های موقت تامین معلم مانند استفاده از بازنشستگان با انگیزه، اضافه کار معلمان رسمی و بهره گیری از ظرفیت دانشجو معلمان استفاده گردد.

۲) با توجه به تاکید مقام معظم رهبری مبنی بر کیفیت افزایی مدارس دولتی در مقابل مدارس غیر دولتی، اعتبار صندوق حمایت از مدارس غیر دولتی حذف و این هزینه صرف کیفیت افزایی مدارس دولتی گردد.

۳) در راستای مشارکت مردمی و تنوع درآمدها بر استفاده ظرفیت درآمدهای حاصل از موقوفات آموزش و پرورش که گاه در اختیار این دستگاه نیستند تاکید شود.

۴) افزایش تعداد مدارس غیر دولتی به خصوص در مقطع حساس و تاثیر گذار ابتدایی اصل حاکمیتی بودن آموزش عمومی را دچار ایراد کرده لذا به نظر می رسد می توان با محدود کردن اعتبارات سازمان مدارس غیر دولتی در این راستا اقدام کرد.

عدم توجه به آموزش و پرورش ابتدایی

آموزش ابتدایی به عنوان دوره‌ای با ساز و کار اثرگذار و حیاتی در نظام تعلیم و تربیت و زیربنای اصلی پیشرفت‌های علمی کشور، اولین و مهم‌ترین مرحله آموزش همگانی در هر نظام آموزش و پرورش شناخته می شود. اصول، اهداف و برنامه درسی دوره ابتدایی براساس سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی نظام و نیز در پی آن کاهش نابرابری‌های فرهنگی و اجتماعی، بیانگر لزوم مواجهه جدی و سرنوشت‌ساز با این دوره می باشد.

از این‌رو در لایحه بودجه ۱۴۰۰، دولت نیز در کنار تعارضات و اشکالات خرد و کلان خویش، اهداف و سیاست‌های برنامه دولت دوازدهم را مبتنی بر اولویت‌بخشی به آموزش ابتدایی در تأمین و تخصیص منابع و تقویت نگاه تخصصی و زیربنایی به این دوره تحصیلی به ویژه در مناطق محروم قرار داده و از جمله اقدامات در دستور کار مبنی بر قانون برنامه ششم توسعه، فراهم آوردن تسهیلات و امتیازات مناسب برای جذب و نگهداشت نیروی کارآمد در دوره ابتدایی و تقویت نگاه تخصصی و زیربنایی به این دوره تحصیلی می باشد.

اما با این حال متأسفانه با وجود صراحت سیاست‌های کلی نظام آموزش و پرورش در راستای راهکارهای ۲_۱۲ و ۳_۲۰ سند تحول بنیادین مبنی بر اولویت بخشی به آموزش ابتدایی در تأمین و تخصیص منابع و تقویت نگاه تخصصی به این دوره و نیز اصول، اهداف و سیاست‌های دولت دوازدهم در راستای دوره ابتدایی، اعداد و ارقام لایحه بودجه ۱۴۰۰ نظام آموزش و پرورش مواجهه این دستگاه با این مقوله در سال ۱۴۰۰ را چیز دیگری نمایش می‌دهد.

در بحث سرانه دولت، هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی با حدود ۸۷ هزار تومان سهم کمتری نسبت به متوسطه اول با سرانه حدود ۹۸ هزار تومان و متوسطه دوم با سرانه حدود ۱۱۸ هزار تومان دارد. بهای تمام شده به ازای هر دانش‌آموز در مقطع ابتدایی حدود پنج میلیون و چهارصد هزار تومان می باشد؛ درحالی‌که این عدد برای دانش‌آموز متوسطه اول حدود هفت میلیون و چهارصد و برای همین دانش‌آموز در متوسطه دوم حدود نه

میلیون و چهارصد هزار تومان می باشد و نیز در راستای طرح جامع حمایت و ارتقاء پوشش تحصیلی، هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی سهمی حدود ۴۵ هزار تومانی دارد؛ درحالی‌که این سرانه به‌ازای دانش‌آموز متوسطه اول و دوم به ترتیب حدود ۱۳۳ و ۴۶۳ هزار تومان می باشد.

در نتیجه شاهد آن هستیم با وجود اهمیت بیش از پیش تربیت در مقطع ابتدایی، نسبت به سایر دوره‌ها در اسناد بالادستی و نیز سیاست‌های دولت، بازهم توجهات و مواجهات حیاتی این‌چنینی در حد شعار باقی مانده است و در عمل رویکردی دیگر را مواجه هستیم. لذا باید با اصلاح جدی روند پیش رو و نوع نگاه به مقطع ابتدایی با توجه به کمیت و اهمیت این دوره تحصیلی و همچنین سایر اهداف و راهبردهای اسناد بالادستی رد کلیات بودجه آموزش و پرورش در دستور کار قرار گیرد

لذا پیشنهاد می گردد :

۱) اهمیت بسیار زیاد دوره ابتدایی و تاثیر گذاری آن به نظر می رسد در کنار تعداد جمعیت زیاد باید به میزان سرانه در نظر گرفته نیز توجه داشت لذا افزایش اعتبارات مربوط به سرانه مدارس ، کیفیت بخشی و ... در دوره ابتدایی نسبت به دیگر دوره های تحصیلی ضرورت داشته و می تواند به عنوان سرمایه گذاری مطلوب شناخته شود .

۲) با توجه به ضرورت نگهداشت نیروی انسانی کارآمد در دوره ابتدایی پیشنهاد می گردد در محل بودجه مربوط به حقوق معلمان ابتدایی سرانه در نظر گرفته نسبت به سایر دوره ها افزایش پیدا کند .

۳) به نظر می رسد با توجه به اهمیت و ضرورت پرورش استعداد های درخشان در آموزش و پرورش مقطع ابتدایی متناسب با طرح شهاب و عدم ایفای نقش سازمان سمپاد در این مقطع قدری از اعتبارات این سازمان در این مقطع برنامه ریزی و هزینه گردد .

عدم توجه به کنترل مبادی بی سوادی

همواره در سیاست های دولت ها در بخش آموزش و پرورش مسئله ریشه کن کردن بی سوادی، به عنوان یکی از شاخصه های توسعه یافتگی، به چشم می خورد .

اما ضمن توجه به گذشت بیش از ۴۰ سال از تأسیس نهضت سوادآموزی در کشور ما، به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در سال ۹۸، با بیش از ۸ میلیون بی سواد مواجه هستیم.

با توجه به کم کارآمدی این سازمان، جهت تسریع در ریشه کن کردن بی سوادی مخصوصا در سال‌های اخیر شاهد افزایش بودجه حدود ۵۰ درصد این سازمان بوده ایم که طبیعتا بایستی جهت اصلاح این روند و تعدیل بودجه آن با مبادی تحصیلی دانش آموزان و افزایش کیفیت بهره وری بالاتر این دوره(ابتدایی و خاصه پایه اول) جهت اصلاح ساختاری این ردیف بودجه اقدام شود .

لذا بایستی ناظر بر نکات زیر، نگاه متفاوتی به برنامه ریزی و بودجه ریزی این سازمان در سال ۱۴۰۰ داشت.

(۱) با وجود اینکه رفع یا ریشه کن ساختن بی سوادی در جامعه توسط سازمان نهضت سواد آموزی رقم خواهد خورد، به نظر می رسد سازوکار های فعلی این سازمان به جای رفع مسئله (بی سوادی حدود ۱۰ درصد از جمعیت کشور)، خود به عنوان یک مرجعی است که بر یک چرخه معیوب صحنه می گذارد. منشأ این مشکل فرآیند معیوب جذب آموزشیارانی است که برای رفع مشکل بی سوادی به این سازمان پیوسته اند، اما پس از دریافت کد نهضتی از آن خارج شده و به طبع نیروهای جدیدی جایگزین آن ها می گردند؛ این امر موجب تحمیل هزینه بر سازمان شده و از عوامل موثر در افزایش مدت مبارزه با بی سوادی است.

(۲) سازمان نهضت سواد آموزی با مأموریت ریشه کن کردن بی سوادی ۴۰ درصدی در دهه ۶۰ تاسیس گردید؛ از آن جا که طی سال های اخیر آمار بی سوادی به حدود ۱۰ درصد تقلیل پیدا کرده است نیاز به تعدیل و کاهش اعتبار بودجه اختصاص یافته به این امر احساس می شود. همچنین به علت عدم به روز رسانی ساختار از ابتدای تاسیس تا به امروز، این سازمان با مسائلی همچون سنگینی چارت و وجود نیروهای غیر آموزشی و... مواجه است که با تطبیق ساختار با اقتضائات روز و واگذاری برخی امور مرتبط با دستگاه های موازی مثل مدارس بزرگسالان از این گستردگی بیهوده جلوگیری می شود.

(۳) لازم است وزارت آموزش و پرورش گزارش دهد در سال های اخیر که نهضت با افزایش بودجه های خوبی نیز همراه بوده، چه میزان توانسته است به ریشه کن کردن فقر، به نسبت هزینه ای که می شود، اثر گذار باشد. باید مد نظر قرار داد که در سال ۹۳ نرخ با سوادی در حدود ۹۸/۷ درصد و در سال ۹۸ به ۹۶/۴ درصد رسیده است، اما در عین اینکه در سال های اخیر با افزایش بودجه این سازمان روبرو بودیم، حدود ۳ درصد از نرخ باسوادی جمعیت فعال کشور (۱۰ الی ۴۹ سال) کاهش پیدا کرده است.

(۴) در بخش سواد آموزی لایحه بودجه آموزش و پرورش ۱۴۰۰، مدارس یا بخش هایی که می تواند بخش عظیمی از نیاز های نهضت را حتی با کیفیت بالاتر پوشش دهد دیده نشده؛ مدارس بزرگسالان یا شبانه یکی از بخش هایی است که ظرفیت آن در خلال بخش سواد آموزی به آن اشاره نشده است؛ به طوری که این مدارس عموماً در مناطق محروم و کم برخوردار است و یکی از ابزار های تحقق عدالت آموزشی است و از جهتی که عموماً ترک تحصیل ها و بی سوادی ها نیز از مناطق محروم و کم برخوردار می باشد، می تواند بخش عظیمی از مأموریت نهضت را پوشش دهد. لذا در این حوزه با توجه به موارد مطرح شده به نظر می رسد :

- بایستی به جای هدف گذاری بر روی سازمان نهضت سواد آموزی، بر کاهش بی سوادی ضمن تعدیل هزینه ها در نهضت، با افزایش بهره وری و کیفیت مقطع ابتدایی و همچنین کنترل مبادی بی سواد، تاکید داشته و ضمن افزایش کیفیت تحصیلی، از ترک تحصیل که عموماً در این مقطع و مخصوصاً پایه اول و دوم، انجام می شود جلوگیری کرد. لذا در نظر گرفتن میزان افزایش بودجه این سازمان، به نسبت سال پیش برای کنترل مبادی بی سوادی مطلوب تر به نظر می رسد.
- باتعدیل یا کاهش پلکانی جهت رفع اشکالات ساختاری سازمان نهضت سوادآموزی می توان، از ظرفیت مدارس بزرگسالان و شبانه در جهت رفع مشکلات تحصیلی افراد حاضر استفاده کرد .
- همچنین با توجه به اقدامات مورد نیاز بخش سواد آموزی (۳_۳) مندرج در مبانی بودجه ۱۴۰۰ که به افزایش جذب خالص پایه اول ابتدایی و گسترش کمی و کیفی پیش دبستانی ها اشاره شده، در ردیف بودجه، همچنان شاهد افزایش بودجه این سازمان هستیم که بایستی نسبت به مدارس ابتدایی و مخصوصاً پایه اول تعدیل شود.

بررسی کلیات بودجه آموزش و پرورش

- (۱) افزایش بودجه آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۰ در نگاه اول بسیار مسرت بخش به نظر می رسد اما در صورت عدم شفاف سازی منابع، تامین این مقدار بودجه در سال آینده می تواند بسیار نگران کننده باشد. به علاوه با وجود افزایش درصد بودجه آموزش و پرورش از (GDP تولید ناخالص داخلی) هنوز با استاندارد جهانی فاصله دارد.
- (۲) بودجه عمومی آموزش و پرورش در سال ۹۹، ۵۸ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۴۰۰ با رشد ۶۰ درصدی به رقم ۹۴ هزار میلیارد تومان رسیده است و از سویی بودجه عمومی آموزش عالی ۱۸ هزار میلیارد تومان در سال ۹۹ بوده است که در سال ۱۴۰۰ به ۳۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و رشد آن تقریباً ۷۵ درصد است، یعنی رشد بودجه بخش آموزش عالی کشور، ۱۵ درصد بیش تر از رشد بودجه بخش آموزش عمومی و آموزش و پرورش کشور می باشد.
- (۳) هرساله آموزش و پرورش با بدهی هایی همراه است که به امید بودجه سال بعد، پرداخت آن به تعویق می افتد، اما همچنان در بودجه سال های بعدی نیز ردیفی برای پرداخت این مبالغ در نظر گرفته نمی شود که این مساله کیفیت آموزش و پرورش را با مشکل مواجه می کند. هم چنان که در سال های ۹۸ و ۹۹ شاهد این موضوع بودیم و مبلغ بودجه ی این نهاد کفاف امور آموزش و پرورش را به سختی می داد و مبلغی برای بدهی های سال های گذشته باقی نمی ماند. در سال گذشته تنها برای حفظ کیفیت سال قبل آموزش و پرورش یعنی سال ۱۳۹۸، به بودجه ی حدود ۷۳ هزار میلیارد تومان نیاز

بود، در صورتی که در این سال بودجه آموزش و پرورش ۵۷ هزار میلیارد تومان تعیین شد و در نتیجه، این مقدار بودجه کفاف بدهی های سال های قبل را نداده و بار بدهی ها هم چنان بر آموزش و پرورش باقی ماند. بنابراین این مشکل بدهی های این نهاد بر بودجه امسال نیز وارد است و نیاز مبرمی به پیش بینی ساز و کار های مناسبی برای پرداخت این بدهی ها احساس می شود.

(۴) یکی از موارد عدم توازن در بودجه عمومی کشور، مربوط به نسبت بودجه آموزش عالی و آموزش و پرورش است. در سال های گذشته هزینه های زیادی صرف توسعه آموزش عالی در کشور شده است، در صورتی که طبق قانون اساسی و نرم جهانی، اولویت سرمایه گذاری مستقیم دولت در بخش آموزش، مربوط به آموزش عمومی است.

بررسی جزئیات بودجه آموزش و پرورش در لایحه ۱۴۰۰

- (۱) مطابق ماده ۲۰ قانون تاسیس مدارس غیردولتی، آموزش و پرورش باید معادل ۴ درصد از شهریه دریافتی توسط مراکز آموزشی و مدارس غیر دولتی را دریافت و به حساب درآمدهای اختصاصی ملی نزد خزانه داری کل کشور واریز کند.
- گویا در بودجه عددی که نشانگر واریز چنین مبلغی باشد دیده نمی شود. مبلغی که در جدول درآمد اختصاصی سازمان مدارس غیردولتی به عنوان درآمد اختصاصی ذکر شده است ۲۵ میلیارد تومان است.
- (۲) اعمال مدرک تحصیلی معلمان (مطابق قانون گذاری مجلس) و اجرای رتبه بندی معلمان، دو طرح مهم آموزش و پرورش می باشند که علی رغم وعده تحقق چندین ساله، به علت عدم اختصاص ردیف بودجه، امکان عملیاتی شدن ندارند. البته مطابق تبصره های بودجه، درآمد حاصل از منابعی همچون فروش سهام برای رتبه بندی معلمان لحاظ خواهد شد، اما به علت عدم بیان اعداد و ارقام به صورت مشخص، عملاً این امر امکان پذیر نیست.
- (۳) دو اتفاق بسیار متفاوت در بودجه امسال رخ داده است؛ اول، میزان افزایش بودجه ردیف مربوط به صندوق حمایت از موسسات مدارس غیردولتی که این ردیف ۱۰ میلیارد تومانی به ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته و به عبارتی بودجه این ردیف دارای افزایش ۹۰۰ درصدی شده است. دوم، ردیفی به نام ردیف کیفیت بخشی و عدالت آموزشی که می توان گفت رشد ردیف کیفیت بخشی و عدالت آموزشی تقریباً ۳۰ برابر کمتر از رشد ردیف مربوط به صندوق حمایت از موسسات غیردولتی بوده است. اما نکته

دوم در این بین آن است که در دوره ابتدایی، مقرر شده بود تا حداکثر ۱۰ درصد از دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کشور در مدارس غیردولتی تحصیل کنند اما اکنون به حدود ۱۹ درصد رسیده اند.

(۴) برخی تحلیل‌ها در مورد میانگین دریافتی معلمان و میزان انطباق این تحلیل‌ها با واقعیت‌ها و ارقام مندرج در بودجه نیز نکته دیگری است. باید به این نکته توجه کرد که میانگین حقوق، به تنهایی و بدون در نظر گرفتن افزایش تورم نمی‌تواند شاخص صحیحی برای بهبود و ارتقای معیشت معلمان باشد. دریافتی یک معلم، بر خلاف کارمندان سایر دستگاه‌های دولتی، در یک ماه، تنها در حقوق خلاصه می‌شود و سایر مواد پشتیبان همانند کارانه و اضافه کار برای آن‌ها کم‌تر وجود دارد. پیشنهاد می‌شود میزان دریافتی کارمندان سایر وزارت‌خانه‌ها و نیز میزان افزایش حقوق آن‌ها در طی این ۷ سال همانند دریافتی معلمان شفاف شود تا معلمان به این باور برسند که نگاه عدالت‌محور در دریافت حقوق، برای کارکنان همه وزارت‌خانه‌ها وجود داشته است.

(۵) نسبت درآمد اختصاصی دانشگاه فرهنگیان به دانشگاه شهید رجایی ۷۰ برابر کمتر است، در حالی که در نسبت دانشجویی، تعداد دانشجویان دانشگاه فرهنگیان ۱۴ برابر بیشتر از دانشجویان دانشگاه شهید رجایی می‌باشد. لذا ظاهراً به نظر می‌رسد این درآمد باز هم از طریق کسر از حقوق دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان تامین خواهد شد.

(۶) با وجود جذب معلم از طریق ماده ۲۸ اساس نامه دانشگاه فرهنگیان هزینه مربوط به برگزاری دوره مهارت‌آموزی یک‌ساله این افراد در لایحه بودجه پیش‌بینی نشده است که این امر جای بحث دارد.

(۷) اعتبار مربوط به ردیف کمک به صندوق ذخیره فرهنگیان بعد از کاهش در سال ۱۳۹۸، به مدت دو سال است ثابت مانده که این عدم افزایش مورد سوال است.

(۸) در لایحه بودجه امسال، ردیف اختصاص یافته به توان بخشی دانش‌آموزان استثنایی ۱۹ درصد افزایش داشته است. کم‌تر بودن میزان افزایش این اعتبار از نرخ تورم پیش‌بینی شده در سال ۱۴۰۰ موجب برطرف نشدن نیازهای آموزشی این دانش‌آموزان خواهد شد، این در حالی است که این دانش‌آموزان، کمبودها و مشکلات خاصی در مدارس و فرآیند آموزشی دارند.

(۹) با توجه به تعریف درآمد ۱۳ میلیاردی از محل سازمان ملی پرورش استعدادها در لایحه بودجه ۱۴۰۰، عدم اشاره نشانگر دریافت شهریه از دانش‌آموزان این مدارس است، در حالی که هدف تاسیس این مدارس، آموزش با کیفیت رایگان در بستر مدارس دولتی است که تعریف درآمد از محل آن در تعارض با این هدف و به تبع، عدالت آموزشی است.

۱۰) با توجه به فراگیری آموزش مجازی به علت شیوع ویروس کرونا و نیاز به ارتقا زیرساخت های آموزش غیرحضوری در این ایام، به شدت احساس می شود که در لایحه بودجه ۱۴۰۰ اعتبار قابل توجهی جهت تحقق این امر باید در نظر گرفته شود.

۱۱) با توجه به بالا بودن نرخ تراکم کلاس های درس به خصوص در مقطع ابتدایی، ضرورت دارد به بحث جذب معلم و گسترش فضای فیزیکی بیش از گذشته پرداخته شود.

۱۲) یکی از موارد عدم توازن در بودجه عمومی کشور، مربوط به نسبت بودجه آموزش عالی و آموزش و پرورش است. در سال های گذشته هزینه های زیادی صرف توسعه آموزش عالی در کشور شده است، در صورتی که طبق قانون اساسی و نرم جهانی اولویت سرمایه گذاری مستقیم دولت در بخش آموزش، مربوط به آموزش عمومی است.

۱۳) علی رغم اینکه کل بودجه ۱۴۰۰ رشد قابل توجهی داشته است، اما اگر این رشد از منظر عدالت بیرونی و رشد بودجه سایر دستگاه ها سنجیده شود، می توان نتیجه گرفت که این رشد عادلانه نبوده است، از جمله مصادیق آن، بودجه بخش آموزش عالی ۷۵ درصد و آموزش و پرورش ۶۰ درصد رشد داشته. به علاوه شاهد تخصیص اشتباه و ناعادلانه منابع در درون وزارت آموزش و پرورش نیز هستیم و از مصادیق این ناعادالتی درونی، تخصیص سرانه حدود ۵ میلیون و چهارصد هزار تومان به دانش آموز ابتدایی داخل کشور و ۵۱ تا ۵۸ میلیون تومان به دانش آموز خارج کشور می باشد.

پیشنهادات

۱) در راستای اجرای سند تحول بنیادین به نظر می رسد لایحه بودجه آموزش و پرورش عمومی باید با رویکرد تحولی و مبتنی بر اقدامات اجرایی تصریح شده در این سند تدوین شود. به نحوی که چرخش ها و رویکرد های تحولی بدین صورت اجرا گردد.

۲) با توجه به خطر زیان بار طرح خرید خدمات آموزشی برای کشور و ضرورت تامین نیروی انسانی با کیفیت پیشنهاد می گردد ضمن حذف این طرح اعتبار در نظر گرفته شده برای این طرح، به اعتبارات عمومی دانشگاه فرهنگیان افزوده شود.

۳) به نظر می رسد رویکردهای خصوصی سازی، جهانی سازی و مجازی سازی آموزش و پرورش در بودجه سال آینده اساسا با هدف مخرب تضعیف جایگاه حاکمیتی تعلیم و تربیت در کشور تدوین شده و آینده انقلاب اسلامی را به خطر خواهد انداخت و انتظار می رود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی با چنین رویکردهای آسیب زایی مقابله کنند.

- ۴) بایستی به جای هدف گذاری بر روی سازمان نهضت سواد آموزی، بر کاهش بی سوادی ضمن تعدیل هزینه ها در نهضت، با افزایش بهره وری و کیفیت مقطع ابتدایی و همچنین کنترل مبادی بی سوادی، ضمن افزایش کیفیت تحصیلی، جلوی ترک تحصیل که عموماً در این مقطع و مخصوصاً پایه اول و دوم، انجام می شود را گرفت. لذا در نظر گرفتن میزان افزایش بودجه این سازمان نسبت به سال پیش، برای کنترل مبادی بی سوادی مطلوب تر به نظر می رسد.
- ۵) باتعدیل یا کاهش پلکانی جهت رفع اشکالات ساختاری سازمان نهضت سوادآموزی، از ظرفیت مدارس بزرگسالان و شبانه در جهت رفع مشکلات تحصیلی افراد حاضر استفاده کرد.
- ۶) الزام قانونی به افزایش پذیرش دانشجوی ۴ ساله متناسب با نیاز کشور تا سال ۱۴۰۴ (حداقل ۵۰ هزار نفر) و افزایش متناسب بودجه دانشگاه.
- ۷) افزایش میزان سرانه دانشجویی در بودجه عمومی (افزایش درصد بودجه عمومی نسبت به اختصاصی)
- ۸) در نظر گرفتن مجدد و افزایش اعتبارات عمرانی همچون سال گذشته در بودجه سازمان نوسازی در راستای توسعه کمی و کیفی فضای آموزشی دانشگاه متناسب با نرخ رشد جمعیت دانشجویی و سن ابنیه.
- ۹) در نظر گرفتن و افزایش اعتبارات آموزش های ضمن خدمت و ارتقای حرفه ای معلمان در اعتبارات دانشگاه با توجه به مأموریت های ذکر شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- ۱۰) در نظر گرفتن اعتبارات لازم برای دوره های مهارت آموزی برگزار شده در دانشگاه فرهنگیان.
- ۱۱) اعتبارات مربوط به طرح خرید خدمات آموزشی و برون سپاری از لایحه بودجه حذف و در راستای عدالت آموزشی به منظور تامین معلم با کیفیت برای مناطق محروم مصرف گردد و یا با توجه به ضرورت های موقت تامین معلم پیشنهاد می گردد این اعتبار در راستای تامین هزینه های راهبرد های موقت تامین معلم مانند استفاده از بازنشستگان با انگیزه، اضافه کار معلمان رسمی و بهره گیری از ظرفیت دانشجو معلمان استفاده گردد.
- ۱۲) با توجه به تاکید رهبری مبنی بر کیفیت افزایشی مدارس دولتی در مقابل مدارس غیر دولتی، اعتبار صندوق مدارس غیر دولتی حذف گردیده و این هزینه صرف کیفیت افزایشی مدارس دولتی گردد.
- ۱۳) در راستای مشارکت مردمی و تنوع درآمد ها بر ظرفیت درآمد های حاصل از موقوفات آموزش و پرورش که گاهی در اختیار این دستگاه نیستند تاکید شود.
- ۱۴) افزایش تعداد مدارس غیر دولتی به خصوص در مقطع حساس و تاثیر گذار ابتدایی، اصل حاکمیتی بودن آموزش عمومی را دچار ایراد کرده است. لذا به نظر می رسد می توان با محدود کردن اعتبارات سازمان مدارس غیر دولتی در این راستا اقدام مفیدی انجام داد.

۱۵) با توجه به اهمیت بسیار زیاد دوره ابتدایی و تاثیر گذاری آن به نظر می رسد در کنار تعداد جمعیت زیاد باید به میزان سرانه در نظر گرفته نیز توجه داشت لذا افزایش اعتبارات مربوط به سرانه مدارس ، کیفیت بخشی و ... در دوره ابتدایی نسبت به دیگر دوره های تحصیلی ضرورت داشته و می تواند به عنوان سرمایه گذاری مطلوب شناخته شود .

۱۶) با توجه به ضرورت نگهداشت نیروی انسانی کارآمد در دروه ابتدایی پیشنهاد می گردد در محل بودجه مربوط به حقوق معلمین ابتدایی سرانه در نظر گرفته نسبت به سایر دوره ها افزایش پیدا کند.

۱۷) به نظر می رسد با توجه به اهمیت و ضرورت پرورش استعداد های درخشان در مقطع ابتدایی، متناسب با طرح شهاب و عدم ایفای نقش سازمان سمپاد در این مقطع، قدری از اعتبارات سازمان در همین راستا برنامه ریزی و هزینه گردد .

منابع

- ۱) لایحه بودجه ۱۴۰۰- ماده واحده و جداول کلان منابع و مصارف بودجه
- ۲) لایحه بودجه ۱۴۰۰- پیوست شماره ۴ بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد، اعتبارات هزینه ای دستگاه های اجرایی بر حسب برنامه، خروجی و بهای تمام شده
- ۳) مبانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و برنامه سالانه دستگاه های اجرایی بودجه سال ۱۴۰۰ _ بخش آموزش و پرورش عمومی
- ۴) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- ۵) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۶) اساسنامه دانشگاه فرهنگیان
- ۷) سیاست های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش ابلاغی مقام معظم رهبری